

## گذری بر کتاب حقوق مالکیت ادبی و هنری\*

• پژمان محمدی<sup>۱</sup>

### مقدمه

حقوق مالکیت فکری یکی از مباحث بسیار مهم در شناسایی و احترام به حقوق اشخاص و عمدتاً به عنوان بخشی از حقوق آنها بر اموال تلقی می‌شود. در اهمیت و ضرورت شناخت و رعایت این گونه حقوق اعتباری بحث‌های فراوانی صورت پذیرفته است و البته مخالفانی نیز دیده می‌شود. هدف از اعتبار و احترام این حقوق، بیشتر فراهم کردن بستر فعالیت‌های خلاق و نوآوری و ابتکار در جامعه از طریق حمایت از کسانی است که وقت، انرژی و سرمایه خود را در راه خلق آثار و ایجاد اختراعات و ابتکارات به کار می‌گیرند. حقوق مالکیت فکری قدرت و امتیازات انحصاری است که قوانین برای صاحبان اندیشه‌ها، به رسمیت شناخته است. وصف بارز و عمده این حقوق موقتی و غیرمادی و ناملموس بودن آنهاست.

تاریخ شناسایی این حقوق به بعد از دوره رنسانس و بیداری ملت‌ها برمی‌گردد. ولی قوت و پاگرفتن آن از قرن هجدهم به قبل تجاوز نمی‌کند. در ابتدا، قوانین ملی و سپس توافقات دوجانبه میان کشورها، تضمین رعایت آنها بوده است. ولی به تدریج ناکارآمدی این ابزار در سطح بین‌المللی هویدا شد و از این رو کنوانسیون‌های بین‌المللی و سازمان‌های عمده برای اداره این گونه حقوق در سطح جامعه کشورها به وجود آمد، به نحوی که امروزه سازمان‌های بین‌المللی بزرگی مانند یونسکو و سازمان تجارت جهانی در این زمینه مداخله مؤثر دارد.

---

\*. کتاب ماه کلیات، سال ۱۲، ش ۱۳۵، اسفند ۱۳۸۷. نوشتار حاضر نقدی است بر کتاب حقوق مالکیت ادبی و هنری؛ نوشته ستار زرکلام؛ تهران: سمت، ۵۱۸ ص، ۱۳۸۷.

موضوعات این حقوق بسیار متنوع و گسترده است. این گستردگی ناشی از قوه ابتکار بشر است. امروزه دوره قدیم، به زمان ما بسیار نزدیک شده است. فناوری و دانش مرزها را می شکند و دنیا به دهکده جهانی تبدیل می شود. به هر حال در یک تقسیم سنتی و مورد قبول، حقوق مالکیت فکری شامل دو گروه عمده حقوق مالکیت صنعتی و تجارتي، و حقوق مالکیت ادبی و هنری است.

در گروه اول، جنبه های صنعتی و تجارتي دانش بشری شامل اختراعات، اکتشافات، دانش فنی، علائم و نام های تجارتي، اسرار تجارتي و غیره مورد بحث قرار می گیرند. در گروه دوم که موضوع کتاب مورد بحث این مقاله است، حقوق پدیدآورندگان آثار مختلف شامل کتاب، فیلم، انواع آثار هنری و غیره و به تبع آن حقوق اجراکنندگان این آثار و هنرمندان و تهیه کنندگان آثار صوتی و تصویری و جز آن (حقوق مجاور یا مرتبط) بررسی می شوند.

در کشور ایران که متأسفانه هنوز قانون یا قوانین جامع همه مباحث مذکور و نیز الحاق به معاهدات بین المللی و به ویژه سازمان تجارت جهانی، دیده نمی شود، چند سالی است که با کمک سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی سازمان ملل (یونسکو) دوره کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری در چند دانشگاه راه اندازی شده و امید است که این اقدام بزرگ با نتایج مفید و مؤثری همراه شود.

این نوشته به منظور بررسی و معرفی کتاب حقوق مالکیت ادبی و هنری اثر دکتر ستار زرکلام که در زمینه یکی از دو مبحث اصلی حقوق مالکیت فکری تألیف گردیده، فراهم شده است.

به منظور نیل به هدف، مطالب در دو قسمت کلی، شامل توصیف اثباتی کتاب (مبحث اول) و توصیف سلبی کتاب (مبحث دوم) ارائه می شوند.<sup>۲</sup>

### مبحث اول: توصیف اثباتی کتاب

در این مبحث، ارائه تحلیل ساختاری مادی اثر، چنان که هست و همگان می بینند یا می توانند ببینند، مقصود ماست. مطالب آتی به منزله پرتو افشانی بر واقعیت مرتبط با کتاب است و جز به ندرت نظر تأیید یا ردکننده ای از مؤلف این مقاله دیده نمی شود. انعکاس این واقعیت میسر نمی شود مگر با ذکر چهره شخصی اثر. به عبارت دیگر، باید ملاحظه کرد مؤلف کتاب با چه سابقه پژوهشی، در این وادی قدم نهاده و به دنبال ارائه اطلاعات و دانش به چه کسانی است. روشن است معیار موفقیت اثر، میزان تأثیرگذاری آن در مخاطبان خود می باشد. بدین منظور مطالب مربوط به توصیف اثباتی اثر شامل خود کتاب (گفتار اول) و اشخاص مرتبط با آن (گفتار دوم) به ترتیب ذکر می شوند.

## گفتار اول: خود کتاب

شناخت شأن کتاب نیاز به مقدماتی دارد که هر یک از آنها، گرچه اطلاعات زیادی از اثر ارائه می‌کند، برای ارائه تصویر کامل آن کفایت نمی‌کند. شأن کتاب ناگزیر به اطلاعات ساختاری، ماهیت و سرانجام تعریف جایگاه آن در موضوع مورد بحث کتاب، متکی است.

### ۱. اطلاعات ساختاری

کتاب در ۵۱۸ صفحه، مشتمل بر پیش‌گفتار، مقدمه و کلیات در ابتدا و سپس هفت بخش پی‌درپی و در نهایت (بدون نتیجه‌گیری)، پیوست پنج‌گانه قوانین مرتبط، ارائه شده است. فهرست کلی مطالب در ابتدا و فهرست منابع و نمایه در پایان اثر دیده می‌شود. در قسمت کلیات، چهار گفتار مختلف درباره مفاهیم و واژه‌ها، تاریخچه، منابع و نگاه فقهی به موضوع ذکر شده است.

بخش اول، «آثار مورد حمایت» مشتمل بر دو فصل است. در فصل اول، «اصول راهبردی حمایت آثار فکری»، چهار اصل مختلف عدم حمایت از ایده‌ها (اندیشه‌ها)، حمایت بدون تشریفات، عدم اهمیت ویژگی‌های اثر و ضرورت اصالت، تجزیه و تحلیل شده است. در فصل دوم، «انواع آثار مورد حمایت»، در دو مبحث آثار از حیث موضوع (مشتمل بر چهار گفتار آثار ادبی، عناوین آثار، آثار هنری، آثار رایانه‌ای) و پدیدآورنده (آثار پدیدآورنده واحد و متعدد) بررسی شده است.

بخش دوم، «حقوق ناشی از مالکیت آثار ادبی و هنری»، شامل دو فصل است و هر فصل از سه مبحث تشکیل شده است. مؤلف در این بخش حقوق مادی (مالی) و معنوی پدیدآورندگان انواع آثار حتی نرم‌افزارها را با اوصاف هر یک از آنها بیان کرده و مدت حقوق مادی را ذکر می‌کند.

بخش سوم، «حقوق مجاور حق مؤلف»، با دو توضیح مقدماتی، که در تقسیم‌بندی بخش قرار نگرفته‌اند، شروع شده و مباحث در دو فصل مجزا ارائه می‌شوند. در فصل اول اشخاص مورد حمایت حقوق مجاور در سه مبحث ذکر شده و در فصل دوم حقوق آنها شامل حقوق معنوی و مادی بیان می‌شود.

بخش چهارم نیز مشتمل بر دو فصل است و هر فصل شامل دو مبحث به موضوع «قراردادهای مرتبط با انتقال حقوق مادی» اختصاص یافته است. در این بخش قواعد مشترک این‌گونه قراردادهای (شامل قواعد شکلی و ماهوی در هنگام تشکیل قراردادهای و قواعد مربوط به اجرا و تفسیر قراردادهای) از سویی و قواعد خاص برخی از قراردادهای بهره‌برداری از اثر (شامل مباحثی از قراردادهای انتشار،

نمایش، تولید آثار صوتی و تصویری، سفارش و قراردادهای مربوط به نرم‌افزارها) از سوی دیگر بیان شده است.

بخش پنجم طی یک مقدمه و دو فصل به بررسی وضع حقوق مؤلف و حقوق مجاور در محیط و بستر مبادلات الکترونیکی می‌پردازد. در این بخش وضع انواع آثار و حقوق صاحبان آنها و صاحبان حقوق مجاور بررسی شده است.

بخش ششم، ضمانت اجراهای مختلف نقض حقوق مؤلف و مجاور را در حقوق ایران و سایر کشورها و مقررات بین‌المللی بررسی می‌کند. این بخش شامل دو فصل است و هر فصل از سه مبحث تشکیل شده که طی آن ضمانت اجراهای کیفری و مدنی نقض حقوق مورد بحث در عالم مادی و فضای الکترونیکی تبیین شده است.

بخش هفتم و پایانی، «حقوق بین‌المللی مالکیت ادبی و هنری» با دو فصل حقوق حاکم در حالت عدم وجود کنوانسیون‌ها و توافقات بین‌المللی در زمینه حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری ارائه شده است. در فصل اول، وضع حقوق و آثار بیگانگان در ایران و اصول حاکم قانونی و نیز تعارض قوانین و دادگاه‌ها، و در فصل دوم، قراردادهای مرتبط با حقوق مؤلف و حقوق مجاور، شامل کنوانسیون‌های برن، ژنو، معاهده وایپو، کنوانسیون رم و موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) بررسی شده است.

مؤلف پس از این بخش، برخی از قوانین موجود ایران از جمله قوانین حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و قوانین عمده دیگر را به طور کامل یا جزئی نقل کرده است. کتاب در پایان با فهرست منابع و نمایه به پایان می‌رسد.

## ۲. ماهیت کتاب

کتاب واجد ویژگی‌های مهم و متمایزی است که در آثار مشابه یا وجود ندارد یا کمتر دیده می‌شود. برخی از وجوه باعث خلق ظرافت عمده‌ای در اثر شده است. بدون بحث درباره محورهای اساسی کتاب، این مقوله کامل نخواهد بود. این سه بحث جداگانه بررسی می‌شود.

### ۲-۱. ویژگی‌ها

این اثر چندین وجه برجسته و مؤثر دارد که عبارت‌اند از:

- جامع‌بودن نسبی کتاب، به نحوی که تقریباً جز مباحث اندکی، تمام مطالب مرتبط با بحث را در خود جای داده است.

- وجود توازن در تقسیم مباحث، به طوری که تقریباً هر بخش حاوی دو فصل و اصولاً هر فصل مشتمل بر دو مبحث می‌باشد. زیر مجموعه مباحث نیز، با اندکی اختلاف، تقریباً یکسان و دارای حجم مشابه است.

- استفاده از شیوه‌های ارجاع و شماره‌گذاری بندها و فهرست منابع که خواننده با سهولت فراوانی به منابع اصلی یا مطالب کتاب دست می‌یابد.

- نگارش ساده و روان مطالب و وجود انسجام و پیوند کافی میان مطالب، با این‌که بسیاری از مباحث از متون خارجی اقتباس شده است، باعث می‌شود خواننده ترجمه‌بودن مطلب را آن‌گونه که در بسیاری از نوشته‌ها مشهود است، احساس نکند، خواننده به راحتی مطالب را پی می‌گیرد و در جست‌وجوی خود در بسیاری از مواقع به آنچه می‌خواهد، دسترسی پیدا می‌کند.

- استفاده کافی و بجا از منابع و قوانین خارجی و معاهدات بین‌المللی برای روشن کردن بحث، آثار و نتایج موضوع و تبیین حقوق داخلی و جایگاه آن در مقایسه با سایر قوانین.

- طرح روی جلد زیبا، منحصر به فرد و متناسب با موضوع است و جذابیت کتاب را بیشتر کرده است.

## ۲-۲. نکات و ظرایف عمده اثر

در کتاب مطالب نسبتاً جدیدی ارائه شده است که در آثار قبلی سابقه چندانی، حداقل در پیوند با سایر مباحث حقوق مالکیت ادبی و هنری، ندارد.

- بخش سوم کتاب (حقوق مجاور حق مؤلف)، اگرچه در اکثر نوشته‌های جامع خارجی مورد بحث قرار گرفته، در کتاب‌های فارسی مرتبط با بحث، جای آن خالی می‌باشد. مؤلف معتقد است: «وصف مجاور در عبارت حقوق مجاور حق مؤلف حاکی از آن است که از طریق نه از پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری، بلکه از منافع یاری‌رسانان و مددکاران به آفرینش‌های فکر حمایت می‌شود. تلاش‌های این اشخاص نه تنها برای آفرینش اثر، نمایش و یا پخش آن مفید است، بلکه گاه ضرورت دارد.» (ص ۲۱۳) وی می‌افزاید: «اگر نگاه‌ها صرف‌نظر از اثر، به محصولات فرهنگی منعطف شود و به همه اشخاص ذی‌نفع همانند دست‌اندرکاران یک بخش صنعتی واحد نگریسته شود، تفاوت یاد شده (اختصاص حق مؤلف به پدیدآورندگان آثار و اختصاص حقوق مجاور به یاری‌رسانان عرضه عمومی

آثار) کم‌رنگ‌تر خواهد شد. دقیقاً با همین نگاه، در اسناد مختلف اتحادیه اروپا از پدیدآورندگان و هنرمندان مجری اثر تحت عنوان کارگران بخش فرهنگی یاد شده است که با تهیه‌کنندگان و بنگاه‌های ارتباط صوتی - تصویری، گروه واحدی را تشکیل می‌دهند.» (ص ۲۱۳)

- بررسی قراردادهای مربوط به انتقال حقوق مادی در بخش چهارم اثر، مشتمل بر قواعد مشترک و قواعد خاص این‌گونه قراردادها، از امتیازات و نوآوری‌های این کتاب است. مؤلف می‌نویسد: «حقوق ایران در زمینه حمایت از آثار ادبی و هنری و نرم‌افزارها در مورد امکان انتقال ارادی حقوق مادی توسط پدیدآورنده به اشخاص ثالث صراحت دارد... با این حال جز در ماده ۱۳ قانون سال ۱۳۴۸ که قرارداد سفارشی را به طور ضمنی پیش‌بینی کرده و ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی قانون سال ۱۳۷۹ ... مقررات ناظر بر حق مؤلف ایران در خصوص قواعد مشترک حاکم بر قراردادهای انتقال حقوق مادی یا قواعد خاص حاکم بر قراردادهایی که امکان انتقال حقوق مادی در قالب آنها وجود دارد، سکوت اختیار کرده‌اند. لذا مراجعه به نظام‌های حمایتی دیگر کشورها در این زمینه مفید خواهد بود» (ص ۲۵۸). وی در جایی دیگر اضافه کرده است: «با توجه به اصل آزادی قراردادها که در ماده ۱۰ قانون مدنی پذیرفته شده، پدیدآورنده می‌تواند حقوق مادی خود را در قالب عقود معین (اجاره، صلح و هبه) و نیز عقود نامعین (قرارداد انتشار و قرارداد توزیع) واگذار کند.» (ص ۲۷۶)

- ذکر مباحث مربوط به «حق مؤلف و حقوق مجاور در بستر مبادلات الکترونیکی» در بخش پنجم اثر بسیار مفید و جالب توجه است. مؤلف معتقد است «تحولات ناشی از گسترش بیش از پیش فناوری اطلاعات و ارتباطات در دو دهه اخیر روند تولید، انتقال، توزیع و مصرف اموال غیرمحمسوس را تغییر داده ... هرچند فناوری‌های جدید، آفرینش و توزیع آثار را آسان می‌کند، ولی در همان حال تکثر و توزیع غیرقانونی آنها را تسهیل می‌کند.» (ص ۳۱۴) در ادامه آمده است: «بنابراین دارندگان حقوق مالکیت فکری با یقین به ناکافی بودن این تدابیر، به تدوین زیرساخت‌های حقوقی به منظور مقابله با اقدامات منجر به نقض حقوق خود تمایل نشان داده‌اند.» (ص ۳۱۵)

- سرانجام نباید از اهمیت بحث جالب توجه فصل اول بخش هفتم کتاب (حقوق حاکم در غیاب کنوانسیون‌های بین‌المللی) چشم‌پوشی کرد. مؤلف در این فصل مباحث مرتبط با قواعد تعارض قوانین و به طور کلی حقوق بین‌الملل خصوصی حقوق مؤلف را بیان می‌کند. به اعتقاد مؤلف «ایران تاکنون ... به کنوانسیون‌های اصلی مرتبط ... ملحق نشده ... در نتیجه باید دید زمانی که یک عنصر بین‌المللی در زمینه آثار ادبی و هنری، اعم از محل خلق و نمایش آثار و تولید آنها یا تابعیت خارجی پدیدآورنده وجود داشته باشد، مسئله حمایت از این‌گونه آثار به لحاظ حقوقی چگونه صورت

می‌گیرد.» (ص ۴۲۲) وی در جایی دیگر اضافه می‌کند: «قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای سال ۱۳۷۹ در ماده ۱۶ خود مقررات ماده ۲۲ قانون حمایت (از) حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان سال ۱۳۴۸ را آن هم به طور ناقص تکرار کرده است... این حکم قانونی نسبت به قانون ترجمه و تکثیر نشریات و کتب و آثار صوتی سال ۱۳۵۲ که «عمل متقابل» را پذیرفته، یک گام به عقب محسوب می‌شود، در حالی که ۲۷ سال بعد قانون مورد اشاره به تصویب رسیده است، به علاوه مقنن حتی از موضعی که در قانون ۱۳۴۸ داشته هم عقب‌نشینی کرده است ... موضع‌گیری مقنن در سال ۱۳۷۹ در عدم شناسایی بین‌المللی نرم‌افزارهای به خصوص در عصری که مبادلات نرم‌افزاری جایگاه مهمی در تجاری کشورها دارند، قابل توجیه نیست» (ص ۴۲۶ - ۴۲۷).

### ۲-۳. محورهای اصلی بحث

مؤلف می‌کوشد تحت عنوان حقوق مالکیت ادبی و هنری تمام مباحث اساسی و عمده مرتبط با موضوعات این حقوق را برای خواننده تبیین کند. بر این اساس کل مباحث کتاب حول دو محور عمده و اساسی زیر می‌چرخد.

- حقوق مؤلف یا حقوق پدیدآورندگان انواع آثار. مؤلف در این خصوص ضمن بیان تاریخچه و مفاهیم مرتبط، ارکان رابطه اعتباری یعنی انواع و شرایط اثر و مؤلف، حقوق مترتب بر خلق اثر، اجرای حقوق در عرصه و دنیای واقعی و مجازی، در سطح ملی و بین‌المللی و ضمانت اجراهایی را که برای دفاع از این حقوق در سطح ملی و بین‌المللی، مطرح است، اعم از کیفری و حقوقی، تحلیل کرده است.

- حقوق مجاور. اگرچه بخش سوم به این حقوق اختصاص یافته، این امر، مانع از آن نبوده است که مؤلف در مباحث دیگر مانند قراردادهای مرتبط با انتقال حقوق مادی (بخش چهارم) و مبادلات الکترونیکی و ضمانت اجراها و توافقات بین‌المللی، به این مقوله بپردازد.

### ۳. تعریف جایگاه کتاب در موضوع مورد بحث

در این زمینه ابتدا، به آثار مرتبط با بحث اشاره شده، سپس کتاب حاضر با آثار مشابه مقایسه می‌شود.

### ۳-۱. آثار مرتبط با بحث

کتاب به یکی از دو مبحث کلی حقوق مالکیت فکری می‌پردازد، بنابراین یافتن سابقه آثار قبلی فقط با مراجعه به عناوین کلی مرتبط به این حقوق، کامل می‌شود. اگرچه شناسایی و احترام قانونی به این‌گونه حقوق در کشور ما تقریباً سابقه حداقل هشتاد ساله دارد، هنوز آثار برجسته‌ای در این زمینه دیده نشده است. با این حال، اثر مورد بحث یکی از جامع‌ترین و کامل‌ترین کتاب‌ها درباره حقوق مؤلف است. پیش از این کتاب‌ها و مقالات متعددی درباره حقوق - یا طبق نظر مؤلف حق - مؤلف نوشته شده است.

- در زمینه حقوق مالکیت فکری به زبان فارسی کتاب‌های عمده زیر منتشر شده است:
  - حقوق مالکیت فکری، تألیف: علیرضا نوروزی، ۱۳۸۱، نشر چاپار؛
  - حقوق مالکیت معنوی، تألیف: اسدالله امامی، ۱۳۸۶، بنیاد حقوقی میزان؛
  - حقوق مؤلفان، مترجمان، هنرمندان و ناشران در فقه معاصر اسلامی، تألیف: فتحی درینی، ترجمه: محمد افتخارزاده، ۱۳۷۶، نشر هزاران؛
  - مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی، تألیف: سیدحسن میر حسینی، ۱۳۸۴، نشر میزان؛
  - فرهنگ حقوق مالکیت معنوی (دو ج)، تألیف: سید حسن میرحسینی، ۱۳۸۵، نشر میزان،
  - برخی از شماره‌های ویژه مجلات حقوقی (ش ۵۱ - ۵۰ مجله حقوق دادگستری و ش ۳ سال ۱۳۸۲ مجله پژوهش‌های حقوقی).
- در زمینه حقوق مالکیت ادبی و هنری کتاب‌های عمده زیر منتشر شده است:
  - حقوق آفرینش‌های فکری، تألیف: حمید آیتی، ج اول، ۱۳۷۵، نشر حقوقدان؛
  - مجموعه مقالات همایش ملی بررسی حقوق مالکیت ادبی و هنری، زیر نظر: سعید حبیبی و مرتضی شفیع شکیب، ۱۳۸۳، خانه کتاب؛
  - اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان، تألیف: کلود کلبمه، ترجمه و تفسیر: علیرضا محمدزاده وادقانی، ۱۳۸۵، نشر میزان؛
  - رساله‌ها و پایان‌نامه‌های دانشجویی متعدد و مقالات زیادی که به‌ویژه در چند سال اخیر در مجلات معتبر حقوقی، به‌ویژه فصلنامه حقوق دانشگاه تهران و تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی در مباحث مختلف منتشر شده است. ضمناً کتاب قراردادهای حقوق مؤلف اثر نگارنده این مقاله که در سال ۱۳۸۶ از سوی نشر دادگستر منتشر شده، یکی از آثار مرتبط با بحث است.

## ۳-۲. مقایسه کتاب با آثار مشابه

تنها سه اثر زیر<sup>۳</sup> قابل مقایسه با کتاب حاضر است.

الف) *اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان*، تألیف کلود کلبمه، ترجمه و تفسیر: علیرضا محمدزاده وادقانی<sup>۴</sup>. اگرچه این کتاب در جای خود بسیار ارزشمند و به دلیل مقایسه و بررسی تطبیقی حقوق بسیاری از کشورها منحصر به فرد و بسیار غنی است، از جهات زیر، کتاب حاضر ترجیح دارد:

- کتاب حاضر تألیف است نه ترجمه:

- کتاب حاضر نیز علاوه بر مطالعه تطبیقی، حقوق مؤلف را در ایران تحلیل می‌کند و اصولاً هدف از تألیف کتاب همین امر است، در حالی که در کتاب *اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور* مترجم تنها در بخش تفسیر مطالبی درباره حقوق ایران ذکر کرده است.

- اگرچه تقسیم‌بندی مطالب کتاب حاضر بسیار به سبک کتاب اصول بنیادین ... نزدیک است، ولی به نوبه خود حاوی مطالب جالب توجه و خواندنی به‌ویژه درباره حقوق مؤلف و مجاور در مبادلات الکترونیکی و مباحثی از حقوق بین‌الملل خصوصی است.

بنابراین، از حیث تبیین مباحث حقوق مالکیت ادبی و هنری، به‌ویژه از منظر حقوق ایران و مباحث مالکیت ادبی و هنری در اینترنت و برخی جهات دیگر، کتاب بر اثر مورد بحث، مرجع و نسبت به آن کامل‌تر است.

ب) *حقوق آفرینش‌های فکری*، تألیف: حمید آیتی نیز اگرچه حاوی عمده مطالب مندرج در این کتاب می‌باشد، از حیث بررسی تطبیقی و روزآمد بودن اطلاعات و ارائه مطالب و مباحث جدید با نشر کتاب، فاصله زیادی دارد.

ج) *حقوق مالکیت معنوی*، تألیف: اسدالله امامی، که از حیث ساختار، دسته‌بندی، جامعیت، حقوق تطبیقی و غیره، به هیچ‌وجه با کتاب حاضر قابل مقایسه نیست و کارایی کتاب حاضر را ندارد.

کتاب‌های دیگر یا به صورت جزئی به بحث پرداخته‌اند یا آن‌که به شرح اصطلاحات مرتبط و ارائه تعاریف پرداخته‌اند.

## گفتار دوم: اشخاص مرتبط با کتاب

منظور از اشخاص مرتبط با کتاب، کسانی هستند که اثر از سوی آنها، یا برای آنها، به عنوان مخاطب، تألیف شده است. این گفتار در دو بخش بررسی می‌شود.

## ۱. مؤلف اثر

دکتر ستار زرکلام، عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه شاهد تهران و وکیل پایه یک دادگستری، یکی از معدود متخصصان حوزه مالکیت فکری به طور عام و مالکیت ادبی و هنری به طور خاص می‌باشد، که علاوه بر اثر حاضر، کتاب *قراردادهای انفورماتیک* را در سال ۱۳۸۰ ترجمه کرده که از دبیرخانه شورای عالی انفورماتیک منتشر شده است. همچنین در سال ۱۳۸۴ کتاب حقوق مالکیت فکری فرانسه و آلمان را درباره قوانین حقوق مالکیت ادبی و هنری این دو کشور ترجمه، شرح و تفسیر کرده است. علاوه بر این، زرکلام عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد است و درس حقوق مالکیت فکری را در سطح کارشناسی حقوق تدریس می‌کند.

## ۲. مخاطبان کتاب

مؤلف در پیش‌گفتار کتاب و ناشر در سخن‌آغازین کتاب مخاطبان را به این شرح مشخص کرده‌اند:

- دانشجویان کارشناسی حقوق، کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری و حقوق فناوری اطلاعات و ارتباطات؛
  - قضات؛
  - وکلای دادگستری.
- اما به نظر می‌رسد، علاوه بر آنان، باید از گروه‌های زیر نیز غافل نبود:
- صاحبان صنایع و شرکت‌های مرتبط با خلق و بهره‌برداری از آثار مختلف مانند ناشران؛
  - سازمان‌های دولتی مانند صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کتابخانه‌های عمومی؛
  - پدیدآورندگان مختلف اعم از نویسندگان، هنرمندان و نیز مجریان؛
  - دانشجویان رشته‌های مختلف مانند هنر و ادبیات.

## مبحث دوم) توصیف سلبی کتاب

پس از شناخت ویژگی‌های عمده کتاب، آن گونه که مؤلف در پایان پیش‌گفتار اعلام کرده است از دریافت تذکرات و نظرات استقبال می‌کند، در صدد بیان برخی از نظرات درباره آن هستیم. روشن است همین نقد نیز مصون از نقد نیست و چه بسا برداشت مؤلف آن، خلاف مقصود مؤلف کتاب باشد. نقد منصفانه هر اثری ممکن نمی‌شود، مگر پس از احاطه کامل به مطالب و موضوعات آن.

شیوه کار نگارنده این مقاله در نقد کتاب این گونه بوده است که ابتدا مانند هر خواننده‌ای آن را مطالعه و سپس به عنوان یک متخصص آن را بررسی کرده است. در این مبحث کتاب از حیث شکلی و محتوایی نقد می‌شود.

### گفتار اول: نقد اثر از حیث شکلی

کتاب از حیث ساختار و شکل امتیازات زیادی دارد، ولی این امر در کنار اشکالاتی که در زیر بیان می‌شود، به صورت جزئی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. با ملاحظه شکل اثر (ظاهر کتاب از ابتدا تا پایان)، دو دسته اشکالات ظاهری را می‌توان تشخیص داد. مینا و ملاک تمایز این دو دسته از اشکالات اهمیت و میزان تأثیر آنهاست. بدین ترتیب، برخی از اشکالات ظاهری اهمیت چندانی ندارند و به راحتی از سوی صاحب اثر قابل برطرف کردن یا از سوی خواننده قابل اغماض می‌باشند. اشکالات اندکی نیز دیده می‌شود که به زحمات مؤلف خدشه‌ای جدی وارد کرده است و برطرف کردن آنها، دقت و اقدامات مؤثری را از سوی مؤلف می‌طلبد.

#### ۱. اشکالات شکلی کم اهمیت

این ایرادات متنوع و فراوان و در سراسر کتاب مشهود است. این موارد به شرح زیر است:

##### • اشکالات تایپی

- این اشکال بسیار اندک است که به چند نمونه اشاره می‌شود.

قانون (پانویس ۱ ص ۲۷۳)، سفارش (بند آخر ص ۲۵۸)، Passing off (پانویس ۳، ۱۲۶)، ماده ۴۱۶، ص ۲۷۳، بنگاه ارتباطات صوتی و تصویری (ص هفت و ۲۲۳)، پدیدآورنده (س ۸، ص ۱۷۳، س ۱۵ و پایانی، ص ۱۸۰).

##### • یکسان نبودن روش ارجاع به منابع خارجی

- گاهی نام کوچک مؤلف در کنار نام خانوادگی وی ذکر شده است، ولی غالباً چنین نیست (برای مثال مقاله پانویس ۴ صفحه ۲۲۱ و پانویس ۲ صفحه ۲۱۶ و سایر ارجاعات)؛  
- گاهی درباره صفحات مکرر مورد استناد از مخفف pp. و گاهی صرفاً از p. استفاده شده است.

- در ارجاع به شماره بندها وقتی تعداد شماره‌های مورد ارجاع بیش از یکی باشد، حرف (n) به صورت (nos) به کار می‌رود که در کتاب رعایت نشده است.  
- مؤلف به‌رغم این که در موارد بسیاری به منابع خارجی استناد جسته، ارجاعی به آنها نداده است. از جمله در صفحات ۱۰۹، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۱.

• عدم یکنواختی در ارجاعات به منابع فارسی

- مؤلف، برخلاف ارجاعات فارسی و لاتین، گاهی نام کتاب را نیز ذکر کرده است که ضرورتی ندارد (برای نمونه بنگرید به: پانویس ۱، ص ۱۹۹، پانویس ۳، ص ۲۰۱، پانویس ۱، ص ۳۲۶).  
• مؤلف در برخی از موارد در ذکر معادل انگلیسی و فرانسه اصطلاحات، زبان آنها را مشخص نساخته است، از جمله در صفحات ۳، ۷۰ و ۲۱۳، اما در مواردی نیز این امر صورت گرفته است، از جمله در پانویس صفحات ۷۴ و ۸۰.  
• مشخص نبودن تاریخ تصویب قانون استنادی مالکیت فکری آلمان در کل کتاب، ضمن آن که به نظر می‌رسد عنوان قانون مذکور قانون حقوق مؤلف ۱۹۶۵ با اصلاحات بعدی باشد و عنوان انتخابی مؤلف دقیق نیست.

## ۲. اشکالات شکلی مهم

• مؤلف در کتاب حاضر بر آن بوده تا میان بخش‌های مختلف از حیث حجم، توازن برقرار شود، ولی این وسواس گاهی با فداکردن برخی دیگر از قواعد، همراه شده است؛ وی کوشیده است تمام مباحث مربوط به مصادیق حقوق مالکیت ادبی و هنری شامل حقوق مؤلف و حقوق مجاور را بیان کند. بدین منظور، سبک تنظیم مطالب، مشابه آثار خارجی است. با این حال، روشن نیست در حالی که بخش سوم به «حقوق مجاور حق مؤلف» اختصاص یافته است، چگونه در بخش‌های مختلف بعدی دوباره مباحث حقوق مجاور مورد بحث قرار می‌گیرد، برای مثال، بحث حقوق مجاور در بستر مبادلات الکترونیکی، ضمانت اجراها و توافقات بین‌المللی. خواننده تصور می‌کند با مطالعه بخش سوم کتاب کل مطالب مربوط به حقوق مجاور در این قسمت عرضه شده است. شاید تقسیم‌بندی اثر به گونه‌ای دیگر، این اشکال را برطرف نماید.

• فقدان فهرست تحلیلی و کامل کتاب، با ملاحظه فهرست مطالب، چنین تصور می‌شود که بعد از گفتارها، عناوین مهم دیگری وجود ندارد، حال آن که بسیاری از مطالب مهم و برجسته اثر در

فهرست مطالب نیامده و خواننده در یافتن آنها با دشواری روبه‌رو می‌شود. معمولاً اگر در ابتدای کتاب فهرست کلی مطالب ذکر شود، در انتها فهرست کامل مطالب در قالب نمایه بیان می‌گردد.

• ذکر بحثی تحت عنوان «کلیات» از صفحه ۳ تا ۲۵ کتاب بدون آن که در تقسیمات اثر جای داشته باشد، توجیه‌ناپذیر است. این اشکال وقتی برجسته‌تر می‌شود که ملاحظه کنیم که مطالب مندرج در این قسمت برای فراگیری مطالب آتی کتاب اهمیت زیادی دارد.

• در برخی از موارد مؤلف خود را از توجیه ضرورت تقسیم مطالب بی‌نیاز دانسته است و به عبارت بهتر، برای خواننده روشن نمی‌سازد که مطالب زیر عنوان مورد بحث چند قسمت هستند و چرا باید جداگانه مورد بررسی قرار گیرند، برای مثال در صفحه ۱۰۷ بلافاصله پس از «مبحث اول: تاریخچه و مفهوم» «گفتار اول: تاریخچه» شروع شده است (نیز بنگرید به: ص ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۲، ۲۶۴، ۲۷۷، ۳۵۴).

• انتخاب عنوان «مقدمه» و «نتیجه» و «طرح مسئله» برای بحث‌های درون بخش‌ها و گفتارها مانند صفحات ۱۰۷ و ۱۲۶، ۲۱۲، ۳۱۴، ۴۰۰ و ... اشکال این موضوع وقتی نمایان می‌شود که در شروع بخش‌های دیگر یا در پایان مباحث قبل و بعد چنین عنوانی دیده نمی‌شود. علاوه بر این، به طور استثنائی مقدمه مندرج در صفحه ۳۱۴ در فهرست اصلی کتاب ذکر شده است.

• شاید یکی از مهم‌ترین اشکالات شکلی و ساختاری کتاب، فقدان «بخش نتیجه‌گیری» است. مؤلف پس از پایان مباحث اصلی بدون نتیجه‌گیری خاص از مباحث گفته شده، پیوست‌های خود را ارائه می‌دهد.

• زرکلام در مراجعه به حقوق خارجی شیوه واحدی را در پیش نگرفته است، به طوری که گاهی حقوق ایران مقدم بر حقوق خارجی بحث شده است و بعضی مواقع عکس این حالت دیده می‌شود. (برای مثال بنگرید به: ص ۲۶۰ و ۲۷۶). از سوی دیگر، گاهی حقوق خارجی و ایران به صورت دو عنوان مستقل مورد بحث قرار گرفته‌اند، در حالی که در برخی از موارد چنین نیست. این دوگانگی در تمام کتاب دیده می‌شود.

• به نظر می‌رسد مبحث دوم فصل دوم از بخش اول (آثار مورد حمایت از حیث پدیدآورندگان) به ویژه با توجه به عناوین دو گفتار ذیل آن، تناسبی با عنوان فصل دوم (آثار مورد حمایت) ندارد. به عبارت بهتر، اگرچه، یک معیار شناسایی انواع اثر، وحدت یا تعدد پدیدآورنده آنهاست، گفتارهای اول و دوم بیشتر به خود پدیدآورندگان توجه دارد تا انواع اثر، به ویژه این که نباید فراموش کرد که در کتاب بحث مستقلی در خصوص «پدیدآورنده» مطرح نشده است.

- به نظر می‌رسد دو فصل بخش هفتم، پیوند موضوعی با هم ندارند. به عبارت بهتر، فصل اول حقوق بدون معاهدات بین‌المللی است که در واقع حقوق بین‌المللی به مفهوم خاص آن نمی‌باشد و حقوق ملی کشورهاست (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۱۰۳) و فصل دوم، حقوق بین‌المللی حمایت از مالکیت ادبی و هنری می‌باشد.
- در حالی که مؤلف همواره آثار ادبی و هنری را از آثار نرم‌افزارها تفکیک کرده است، قاعدتاً باید عنوان بخش دوم (حقوق ناشی از مالکیت آثار ادبی و هنری) صرف‌نظر از بحث حقوق آثار نرم‌افزارها باشد، ولی چنین نیست.

### گفتار دوم: نقد اثر از حیث ماهوی

بررسی موضوعی، چنین گسترده و مهم، متقضیات خاص خود دارد. مؤلف با تسلط کافی برای استفاده از منابع خارجی (فرانسه و انگلیس) به خوبی توانسته است وظیفه کتاب را مشخص ساخته و رسالت خویش را به انجام رساند. مباحث با دقت و نظر و انسجام و پیوند کافی به هم مرتبط شده‌اند. سعی وافری شده است تا حق مطلب به خوبی ادا شود. با همه دقت نظر و کوشش مؤلف و موشکافی وی در تمام بخش‌ها و فصول، گاهی برخی از اشکالات ماهوی دیده می‌شود. این مطالب از دو جنبه قابل بررسی است.

#### ۱. آنچه در کتاب وجود ندارد

در این قسمت به مطالبی اشاره می‌شود که به زعم نگارنده مقاله باید در کتاب ذکر می‌شد یا به نحوی کامل و جامع‌تر ارائه می‌گردید، این مطالب برای تحلیل واقع‌بینانه در دو بخش ذکر می‌شود.

#### ۱-۱. مباحثی که به طور جامع و کامل طرح نشده‌اند

- مؤلف برخی از مباحث اساسی و ضروری در شناخت و تحلیل حقوق مالکیت ادبی و هنری را، علاوه بر آن که زیر مجموعه مباحث اصلی یا بخش‌های خود قرار نداده، بسیار مختصر ارائه کرده است. آنچه در قسمت کلیات، در ابتدای کتاب، درباره تاریخچه حقوق مالکیت ادبی و هنری و دیدگاه فقهی درباره موضوع ذکر شده، مصداق همین تلقی است. روشن است یافتن مبنای فقهی و توجیه آن براساس اصول فقه در حقوق ایران حائز اهمیت زیادی است.

- شناخت نظام‌های حقوقی موجود و ارائه مشخصات و ویژگی‌های هر یک از دو نظام عمده (نوشته و کامن‌لا) و آثار اعمال قواعد هر یک از دو نظام، حداقل به صورت جامع‌تر و به صورت بحث مستقل، ضروری است (برای نمونه بنگرید به: استرلینگ<sup>۵</sup>، ۱۹۹۹، ص ۴۴۳ - ۴۴۶).
- مبحث دوم فصل دوم بخش اول، همان‌گونه که قبلاً بیان شد، علاوه بر آن که از لحاظ ساختار با عنوان فصل مذکور تناسب ندارد و در واقع بیش از آن که به آثار مربوط باشد، وضع و انواع حالات پدیدآورنده را مطرح می‌نماید، از این حیث نیز کامل نیست، زیرا قواعد اداره آثار مشترک توسط پدیدآورندگان متعدد به ویژه در حقوق ایرانجای بحث فراوان دارد. همچنین وضع آثار کارگری و نیز آثار سفارشی قابل بررسی بیشتر است (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۴۰۹ و بعد؛ لوکاس<sup>۶</sup>، ۱۹۹۴، ص ۵۳۳، بیگورت<sup>۷</sup>، ۱۹۹۸، ص ۱۱؛ دنیسکس دوستن مارک<sup>۸</sup>، ۱۹۹۹، ص ۱۲).
- با توجه به این که مقررات بین‌المللی حاکم بر حقوق مالکیت ادبی و هنری هم جداگانه و هم در بعضی از مباحث به صورت مقایسه‌ای بررسی شده است، عدم ذکر آن در برخی دیگر از مباحث توجیه‌پذیر نیست.
- در مجموع به نظر می‌رسد بخش زیادی از مباحث، برگرفته از منابع لاتین می‌باشد و به همین دلیل مباحث مربوط به حقوق ایران به خوبی تحلیل و بررسی نشده‌اند.

## ۲-۱. مطالبی که اصلاً مورد بحث واقع نشده‌اند

- در این قسمت، با نگرش به اهداف و مخاطبان اثر، به مواردی می‌پردازیم که نبود آن در این کتاب، چشمگیر و نمایان است. این موارد اگرچه محدود هستند، اهمیت آنها قابل انکار نیست.
- یکی از جدی‌ترین مباحث مربوط به حقوق مالکیت ادبی و هنری، اهمیت وجودی آنهاست. در این زمینه مباحث متعدد و جالبی قابل طرح و بررسی است، مانند اهمیت شناسایی این حقوق از حیث اجتماعی و اقتصادی.
  - دیدگاه‌های نظری و توجیه حقوق مالکیت ادبی و هنری در نظریات حقوق دانان از مباحث عمده تحلیل نشده کتاب است. در این زمینه بحث توجیه مالکیت بودن رابطه پدیدآورنده با اثر اهمیت جدی دارد.
  - وجود شرکت و اتحادیه‌های اداره جمعی حقوق مالی پدیدآورندگان، یکی از وجوه عمده امور مؤلفان در کشورهای پیشرفته است. ناتوانی پدیدآورندگان در بهره‌برداری شخصی از آثار و به تبع آن اجباری بودن واگذاری این حقوق و تنوع و گستردگی حقوق مالی و بالاخره گستردگی قلمرو استفاده

از آثار (از حیث تعدد حقوق، جغرافیای استفاده) و الکترونیکی شدن محیط بهره‌برداری از آثار، وجود این‌گونه شرکت‌ها را ضروری ساخته است. این شرکت‌ها نماینده صاحبان حقوق می‌باشند و با انعقاد قراردادهای بهره‌برداری و وصول درآمدهای ناشی از انتقال حقوق مالی یا اعطای مجوزها، در نهایت آنها را میان صاحبان حقوق، توزیع می‌کنند (برتراند، ۱۹۹۹، ص ۴۰۲) متأسفانه در کشور ما این نهاد شکل نگرفته و پدیدآورندگان و هنرمندان مجری از بهره‌مندی از آنها محروم هستند.

• برای شناخت بهتر ماهیت، آثار و خصائص حقوق مالکیت ادبی و هنری، مقایسه این حقوق با حقوق مشابه مانند حداقل مالکیت صنعتی و تجارتي ضرورت دارد.

• بحث انتقال قهری حقوق مالی و حقوق معنوی پدیدآورندگان به ورثه و خصائص این انتقال و چگونگی اجرا یا عدم اجرای این حقوق توسط صاحبان جدید نیاز به ذکر و تحلیل ویژه دارد.

• بحث قلمرو عمومی<sup>۱۱</sup> و ماهیت آن و تفاوت حقوق مالی و معنوی از این حیث قابل بررسی است (همان، ص ۲۳۳ و ۱۶۲).

• در بحث حقوق معنوی تعریف این حقوق و وضع حقوق معنوی در آثار اشتراکی، افشای اثر پس از فوت، حقوق معنوی در آثار سفارشی و کارگری، همچنین بحث حق سرپرستی در آثار مرکب و سفارشی، حق تمامیت در آثار ترکیبی، فیلم‌ها و محدودیت‌ها و ضرورت‌های مربوط به نادیده‌گرفتن این حقوق، قابل بررسی بوده است. علاوه بر این وضع انتقال قهری معنوی حقوق توسط قائم‌مقام پدیدآورنده متوفی، امکان مداخله اشخاص حق ثالث در دفاع از حقوق معنوی، رد ترکه و تأثیر آن بر حقوق معنوی، وصف انسانی این حقوق، طرح نشده است.

• در بحث مادی (مالی) اشکال یا توجیه به کارگیری عبارت حقوق مادی به جای حقوق مالی دیده نمی‌شود.

• در بحث قراردادهای بهره‌برداری از حقوق مادی (مالی)، تقریباً مطالب خاصی درباره قواعد عمومی قراردادها که در واقع مقررات قراردادهای بهره‌برداری از حقوق مؤلف هستند، دیده نمی‌شود.

• وضع پدیدآورنده آثار سینمایی در حقوق ایران بررسی نشده است. وضع قرارداد سفارش خلق اثر با وجود اشاره به حکم ماده ۱۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸ بررسی نشده است و تحلیل ماهیت و آثار آن دیده نمی‌شود.

• در کتاب، به رغم استناد مکرر به قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی، از آثار و نتایج این امر بحثی دیده نمی‌شود. تصویب این معاهده در مجلس شورای اسلامی و انتشار قانون مذکور در روزنامه رسمی (ش ۱۶۵۰۹، مورخ

۱۳۸۰/۹/۱۲) متضمن الزام دولت جمهوری اسلامی ایران به هماهنگ شدن با قواعد کنوانسیون برن برای حمایت از مالکیت ادبی و هنری از سویی و پذیرش ضمنی احکام آن در حال حاضر، می‌باشد. این که آیا با وجود الحاق ایران به معاهده مذکور پدیدآورندگان ایرانی و غیرایرانی حق استناد به مقررات اصلی معاهده و مقررات تبعی آن (کنوانسیون برن) را دارند یا خیر، بی‌پاسخ مانده است.

• با توجه به اهمیت روزافزون مباحث الکترونیکی شدن آثار و انتشار و بهره‌برداری از آنها، تأثیر این امر در جزء جزء مباحث حقوق مؤلف شایسته توجه ویژه است که در کتاب چنین امری دیده نمی‌شود.

## ۲. آنچه در کتاب موجود است

در کتاب برخی از اشکالات ماهوی وجود دارد که اصلاح آنها در چاپ‌های بعدی ضروری به نظر می‌رسد.

• در صفحه ۱۰ کتاب اولین قانون تصویب شده در جهان که در انگلستان به تصویب رسید، به عنوان «قانون آن گریونیک کپی‌رایت» مصوب ۱۷۳۴ نامیده شده است. در حالی که تاریخ تصویب این قانون ۱۷۱۰ م. و نام درست آن "Queen Ann's Statute Act" می‌باشد. بنابراین پاورقی این صفحه نیز صحیح نیست (یونسکو<sup>۱۱</sup>، ۱۹۸۳، ص ۱۴) همچنین در عنوان قانون از اصطلاح "copyright" استفاده نشده است (استرلینگ، ۱۹۹۹، ص ۹).

• مؤلف عبارت «حق مؤلف» را معادل مالکیت ادبی و هنری قرار داده است، ولی هیچ‌گاه توضیح نمی‌دهد چرا از اصطلاح «حق» به صورت مفرد استفاده می‌کند و چرا «حقوق مؤلف» را به کار نمی‌برد. در حالی که در کنار «حق مؤلف» از «حقوق مجاور» استفاده شده است. آنچه مسلم است حق مؤلف به چند دلیل مرجع است؛ از سویی امتیازات پیش‌بینی شده برای پدیدآورنده متعدد و متنوع هستند و بدون شک بیش از یک حق می‌باشند. از سوی دیگر حقوق مؤلف مانند حقوق مالکیت ادبی و هنری یا حقوق مالکیت صنعتی و تجارتي بیانگر قواعد مرتبط با موضوعات خاص هستند و به هر حال حقوق جمع حق می‌باشد و از این حیث گویاتر است. علاوه بر این، این اصطلاح بیشتر از واژه منتخب مؤلف کاربرد دارد (برای مثال بنگرید به: اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور؛ و حقوق آفرینش‌های فکری).

• مؤلف در صفحه ۱۴ اعلام کرده که اولین مقررۀ قانونی درباره حق مؤلف در ایران «مواد ۳۴۵ تا ۲۴۸ از فصل یازدهم قانون جزای مصوب ۱۵ مرداد ۱۳۱۰» می‌باشد. صرف‌نظر از آن که مواد

مذکور مواد ۲۴۵ تا ۲۴۸ می‌باشند، عنوان قانون نیز قانون مجازات عمومی است که در تاریخ ۱۳۰۴/۱۰/۲۳ به تصویب رسیده است.

• با وجود استفاده فراوان و مکرر و اتکای شدید مؤلف به قانون مالکیت فکری فرانسه، به تاریخ تدوین نهایی آن در سال ۱۹۹۲، اشاره نشده است.

• در کتاب با وجود استفاده از الفاظ و عبارات متعدد لاتین مانند وایپو، تریپس و نیز کلمات اختصاری مانند، دبلیو.سی.تی.<sup>۱۲</sup> و دبلیو.پی.پی.تی.<sup>۱۳</sup> در صفحه ۲۰ و جز آن، اصطلاحات و کلمات اصلی بیان نشده‌اند. همین نقیصه درباره عناوین لاتین دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا در خصوص حقوق مؤلف یا مجاور مثلاً در صفحه ۲۱ و سایر صفحات دیده می‌شود.

• مؤلف در فصل اول بخش اول شرایط حمایت حقوق مؤلف را تحت عنوان «اصول راهبردی در حمایت از آثار فکری» بررسی کرده که چند اشکال قابل تصور است؛ وجود قید «فکری» زائد به نظر می‌رسد. «ایده» اصطلاح لاتین است و معادل فارسی آن برتری دارد.

• در بند پایانی صفحه ۳۰ مثالی برای حمایت حقوق مسئولیت مدنی از اندیشه (و به قول مؤلف، ایده) مطرح شده است، در حالی که با توجه به ماده قانون مسئولیت مدنی ایران، شرط تحقق مسئولیت مدنی تجاوز به حق مشروع و قانونی افراد است. بر این اساس، اگر اندیشه حقی برای صاحب آن ایجاد نکند، چگونه نقض آن مسئولیت مدنی ایجاد می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۲۲۲ و بعد).

• عبارت «در نظام‌های حقوقی بسیاری از کشورها» با توجه به این که اصطلاح نظام حقوقی به خانواده حقوقی و نه یک حقوق واحد، اطلاق می‌شود، صحیح به نظر نمی‌رسد (ص ۳۲، بند ۲۲).

• در ادامه جمله تعریف اصالت در بند ۴۰ صفحه ۴۵ اعلام شده است: «در نظام معروف به کپی‌رایت تا زمانی که اثر تکثیر (کپی) نشده، اصیل شمرده می‌شود». این عبارت مبهم و دوپهلوی است. به عبارت دیگر، از آن چنین برداشت می‌شود که در صورت تکثیر اثر، اصالت آن از بین می‌رود، در حالی که احتمالاً منظور این بوده است که وقتی اثر اصالت دارد که از اثر دیگری نسخه‌برداری نشده باشد.

• در صفحات ۵۰ و ۵۳ هنرهای تجسمی و پایگاه داده تعریف نشده‌اند.

• نظریه انتخاب شده در صفحه ۵۶ درباره حصری یا تمثیلی بودن مصادیق آثار مندرج در ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان بدین صورت که: در فرض حمایت کیفری باید اصل تفسیر مضیق و در واقع عدم اثر شناختن مصداق تصریح‌نشده در ماده ۲ برگزیده شود و در حمایت‌های حقوقی اصل تفسیر موسع و تمثیلی تلقی کردن موارد مندرج در ماده ۲ اعمال شود، قابل

انتقاد است. به عبارت بهتر، ضمانت اجراهای حقوقی و کیفری راه‌های متعدد حمایت از حقوق ناشی از خلق آثار هستند، بنابراین نمی‌توان یک اثر را از لحاظ کیفری اثر تلقی نکرد و در موقع مطالبه حمایت حقوقی آن را اثر دانست: ماهیت تغییر نمی‌کند، اگرچه چشم‌انداز متفاوت باشد. مصادیق مندرج در این ماده تمثیلی هستند و محدود کردن آثار، کارآیی قانون را بیش از پیش، کاهش می‌دهد. علاوه بر این، این تفسیر با رویه معمول قوانین ملی و کنوانسیون‌های بین‌المللی منافات دارد (محمدی ده‌چشمه، ۱۳۷۶، ص ۷۴).

• ادعای عدم حمایت از جنگ‌ها یا مجموعه آثار در قوانین حقوق مؤلف ایران (ص ۶۴) با نظر خود مؤلف در بی‌تأثیری شکل و محتوا و کفایت اصالت اثر از یک سو و با حکم قوانین مذکور منافات دارد، در بند ۱ ماده ۲ قانون ۱۳۴۸ آمده است: «کتاب و رساله و جزوه و نمایشنامه و هر نوشته دیگر علمی و فنی و ادبی و هنر». بند ۱۲ ماده ۲ نیز اضافه می‌کند: «هرگونه اثر مبتکرانه دیگر که از ترکیب چند اثر از اثرهای نامبرده در این فصل پدید آمده باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۳).

• اعلام این که براساس بند ۲ ماده ۱۶ قانون ۱۳۴۸ ایران اشخاص حقوقی نیز می‌توانند پدیدآورنده باشند (ص ۸۵ - ۸۶) قابل نقض است. در این بند از ماده ۱۶ صرفاً از تعلق اثر به شخص حقوقی یاد شده است. روشن است که تعلق داشتن به معنای پدیدآورنده بودن نیست. اشخاص حقوقی به جهت قراردادی اعم از سفارش خلق اثر یا حتی در فرض خاص انتقال قهری (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در فرض بلاوارث بودن پدیدآورنده متوفی) ممکن است صاحب حقوق اثر باشند، ولی این امر با مؤلف شناختن آنها ملازمه ندارد. این تفسیر از بند ۲ ماده ۱۶ با در نظر داشتن این که قانونگذار صراحتاً پدیدآورنده را در ماده اول قانون ۱۳۴۸ مشخص کرده است، قابل تأیید است (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۴۷).

• در صفحه ۸۶ ترجمه عبارت حقوق آمریکا به نام "made for hire work" به عنوان «اثر خلق شده در قبال دستمزد» از نظر گسترده بودن مفهوم ترجمه فارسی، قابل انتقاد است (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۴۲۰). به عبارت بهتر، اگرچه اثر سفارشی مشمول عبارت انگلیسی فوق می‌باشد، از لحاظ حقوق ایران او دستمزد نمی‌گیرد، بلکه قبل از هر چیز طلب قراردادی خود را دریافت می‌کند؛ دستمزد در حقوق ایران به کارگر پرداخت می‌شود.

• در صفحه ۸۴ اعلام شده است که در قانون فرانسه تعریفی از پدیدآورنده ارائه نشده است. و این مطلب برخلاف حکم مواد ۱-۱۱۳ و ۷-۱۱۳ قانون مالکیت فکری فرانسه است که اتفاقاً مؤلف در صفحه ۸۷ خود آنها را ترجمه و ذکر کرده است (گوتیر<sup>۱۴</sup>، ۱۹۹۹، ۹۶؛ ادلمان<sup>۱۵</sup>، ۱۹۹۹، ص ۲۵).

• در صفحه ۸۹ بند ۹۰ آمده است: «اختیار پدیدآورنده در این خصوص (عدم افشای هویت خود) نتیجه آزادی بیان و آزادی آفرینش است که از آن می‌توان به جنبه منفی حق سرپرستی اثر تعبیر کرد» توصیف این حق به جنبه منفی حق سرپرستی، صحیح به نظر نمی‌رسد و بهتر است به جای آن «جنبه سلبی» ذکر شود.

• در بحث بند ۹۶ صفحه ۹۳، درباره وضع خلق اثر توسط روزنامه‌نگاران آمده است که «علی‌رغم سکوت مقنن» در حالی که به نظر می‌رسد با توجه به تبصره ۳ الحاقی به ماده ۵ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ حقوق ایران، در مورد بحث، ساکت نیست. به عبارت بهتر، براساس این حکم روزنامه‌نگاران می‌توانند درخصوص انتشار اثر به نام خود یا مؤسسه توافق کنند و این امر بالملازمه مستلزم رضایت آنها به انتقال حقوق اثر می‌باشد (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۴۷۵ و بعد).

• در بند ۹۷ صفحه ۹۴، مباحثی درباره حقوق مؤلف نرم‌افزار خلق شده «در چهارچوب قرارداد کار یا قرارداد خاص دیگر»، مطرح شده است که با عنوان کلی بحث، که شناسایی پدیدآورنده آثار می‌باشد، انطباق ندارد. روشن است مالکیت حقوق با پدیدآورنده بودن ملازمه ندارد و نمی‌توان از بحث مالکیت حقوق نتیجه گرفت که صاحب این حقوق، پدیدآورنده اثر است، در حالی که بحث کتاب، در اینجا درباره پدیدآورنده بوده است.

• در بند ۱۰۱ مندرج در صفحه ۹۸، مؤلف درباره ضابطه تمییز آثار مشترک در حقوق ایران ضمن انتقاد بر شیوه کار قانونگذار، نتیجه گرفته است که «با چنین ملاکی آثاری که توسط چند نفر مشترکاً پدید می‌آیند و آورده هر یک به تنهایی قابل بهره‌برداری است، نظیر آثار سینمایی، آثار موسیقایی، آثار چند رسانه‌ای، از شمول آثار مشترک خارج خواهند شد... بدیهی است پدیدآورنده هر بخش از اثر نیز در بهره‌برداری مستقل از حقوق مادی مشارکت خود محروم خواهد شد».

به نظر می‌رسد مؤلف میان دو مفهوم «عدم قابلیت تمایز کار هر پدیدآورنده» که در ماده شش قانون ۱۳۴۸ ایران ضابطه تشخیص آثار مشاع تلقی شده و «عدم قابلیت بهره‌برداری از سهم مشاع»، دچار خلط مبحث شده است. در حقوق ایران شرکای مال مشاع به تنهایی حق همه‌گونه تصرف حقوقی در سهم خود دارند<sup>۱۶</sup> هر چند سهم آنان متمایز نباشد و به عبارت بهتر به صورت اشاعه باشد<sup>۱۷</sup>. با پذیرش این تفسیر، هر پدیدآورنده مشترک می‌تواند سهم مالکانه خود را که مثلاً پنجاه درصد یا کمتر است، به دیگران واگذار کند. اما، روشن است که هیچ‌یک از شرکا به تنهایی نمی‌تواند از اثر به‌طور مستقل بهره‌برداری کند (محمدزاده وادقانی، ۱۳۸۷، ص ۳۳۳).

• این اظهارنظر که قانون ۱۳۴۸ و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ «درخصوص آثار مرکب سکوت اختیار کرده‌اند» (ص ۹۹)، صحیح به نظر نمی‌رسد؛ مراجعه به بند ۱۲ ماده ۲ و بند ۷ ماده ۴ قانون ۱۳۴۸ که اتفاقاً قانون اصلی و مادر محسوب می‌شود، خلاف این اظهارنظر را نشان می‌دهد.

• مؤلف در صفحات ۱۰۴ و ۴۰۴ کتاب مطالبی درباره خاص بودن مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق مالکیت فکری مطرح کرده است که عمدتاً قابل قبول نیستند:

- وی در صفحه ۱۰۴ می‌نویسد: «پدیدآورنده‌ای که مدعی نقض حقوق مالکیت فکری اثر خویش است، کافی است تجاوز غیر به قلمرو حقوق انحصاری خود را اثبات کند و ضرورتی ندارد آن چنان که در خصوص مسئولیت ضرورتی ندارد، آن چنان که درخصوص مسئولیت مدنی مرسوم است، ورود خسارات را نیز اثبات کند». این مطلب، قابل پذیرش نیست، زیرا فلسفه وجودی قواعد مسئولیت مدنی جبران ضرر است و اصولاً<sup>۱۸۴</sup> اثبات ورود ضرر رکن پذیرش چنین دعوایی است (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۲۱۸، قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۸۳ و بعد؛ بادینی، ۱۳۸۴، ص ۳۱۶ و بعد؛ گوتیر، ۱۹۹۹، ص ۶۵۳). آنچه واقعیت دارد این است که نقض حق افراد، خود به خود با ورود ضرر ملازمه دارد، اما چیزی که صاحب حقوق مالکیت فکری از اثبات آن معاف است، میزان ضرر وارده می‌باشد. این امر از طریق کارشناسی توسط دادگاه احراز می‌شود. متأسفانه مؤلف در فصل دوم بخش ششم که به «ضمانت اجراهای مدنی» نقض حقوق مؤلف پرداخته، درباره این اظهارنظر توضیح خاصی نداده و در آن قسمت تنها از ضرورت یا عدم ضرورت اثبات تقصیر سخن گفته و البته در نهایت نتیجه‌گیری کرده است که نیازی به اثبات تقصیر نیست (و تقصیر را مفروض دانسته‌اند (ص ۴۰۷)). اگر این نتیجه‌گیری صحیح باشد، دعوی مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری برخلاف قواعد حاکم بر این بحث، از سه رکن (ضرر، تقصیر و رابطه سببیت) تنها به اثبات رکن سوم نیازمند است!

- مؤلف در محل مناسب بحث مسئولیت مدنی به ذکر و تحلیل ارکان آن نپرداخته است.

- پس از ذکر نظریاتی مانند غصب‌بودن، استیفای نامشروع بودن و اتلاف بودن و رد این نظریات، در نهایت، مسئولیت مدنی شخصی که حقوق مالکیت ادبی و هنری را نقض کرده، مبتنی بر تقصیر دانسته شده است. با این حال، مؤلف، ضمن اعلام مفروض بودن تقصیر (ص ۴۰۷) اضافه می‌کند که اثبات عدم سوءنیت موجب معاف‌شدن عالم زیان از جبران خسارت می‌شود. این مطلب

قابل قبول نیست، زیرا در مسئولیت مدنی سوءنیت شرط نیست و حسن نیت نیز مانع از آن نمی‌شود. علم و جهل تأثیری ندارد و حتی مغرور و فریب‌خورده نیز در مقابل زیان‌دیده مسئولیت جبران را برعهده می‌گیرد.<sup>۱۹</sup> تقصیر عبارت است از تعدی یا تفریط و هر یک از این دو بدون سوءنیت نیز قابل تصور هستند (مواد ۹۵۱ تا ۹۵۳ قانون مدنی).

• در بند دوم صفحه ۱۰۹ آمده است: «البته اصطلاح حق معنوی تا حدودی گمراه‌کننده نیز هست، زیرا تلویحاً بدین معناست که این حقوق را نمی‌توان از طریق قانونی مورد حمایت قرار داد، در حالی که چنین نیست»، مؤلف در این جمله مشخص نکرده است چگونه عبارت «حق معنوی» مانع از تصور حمایت قانونی می‌شود. اصولاً به نظر نمی‌رسد عبارت مذکور چنین القایی در ذهن ایجاد کند.

• در بند پایانی صفحه ۱۱۱ چنین آمده است: «در این مفهوم، حتی پدیدآورنده‌ای که فاقد اهلیت است، باید از طریق نمایندگان قانونی خود رضایت خویش را برای افشای اثر اعلام کند»، این جمله با توجه به عبارات قبلی و توضیحات مؤلف، صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا اگر منظور مؤلف تأکید بر اهمیت و شخصی بودن حق معنوی افشای اثر است - که چنین است - و اگر توجه مؤلف به ماده ۱۳۲-۷ قانون مالکیت فکری فرانسه است،<sup>۲۰</sup> باید گفت خود پدیدآورنده (نه از طریق نماینده قانونی) باید اعلام رضایت کند و گرنه جمله به کار رفته اهمیت شخصی بودن افشای اثر را القا نمی‌کند، زیرا در همه حالات نماینده قانونی اختیار لازم برای اداره امور محجور را به‌عهده دارد و امر ویژه‌ای در اعلام اراده از طریق نماینده قانونی دیده نمی‌شود (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۶۳؛ دسبویس<sup>۲۱</sup>، ۱۹۷۰، ص ۵۵۰).

• در صفحه ۱۱۲ تمایز و ذکر دو عنوان مستقل «تأثیر حق افشای بر حقوق مادی» و «تأثیر حق افشاء بر حقوق مالکانه» مبنا و اثر عملی ندارد.

• در صفحات ۱۱۳ و ۱۲۰ با اشاره به مقررات سازمان تجارت جهانی در خصوص مالکیت فکری موسوم به «تریپس»<sup>۲۲</sup> اعلام شده است که مواد ۲ و ۳ این موافقت‌نامه درباره حقوق مادی و معنوی به کنوانسیون برن ارجاع داده‌اند یا «در این زمینه از مقررات کنوانسیون برن تبعیت کرده است». این عبارت در حد حقوق مالی (مادی) صحیح و درست است، ولی در خصوص حقوق معنوی نادرست می‌باشد. توضیح آن که براساس ماده ۹ موافقت‌نامه مذکور ماده ۶ مکرر کنوانسیون برن که متضمن حکم لزوم رعایت حقوق معنوی در کشورهای عضو این کنوانسیون است، از شمول موافقت‌نامه «تریپس» خارج و به عبارت دیگر رعایت این حقوق در میان اعضای سازمان تجارت جهانی الزام‌آور نیست. البته مؤلف در صفحه ۴۸۲ و بعد به بیان استثنای مذکور و تحلیل آن پرداخته است.

• در صفحه ۱۲۰ در بند ۱۲۴ آمده است «ماده ۱۹ به صورت مجهول به کار گرفته است» که نامفهوم است، زیرا مجهول بودن دربارهٔ مادهٔ ۱۹ صحیح به نظر نمی‌رسد و مصادیق آن موردنظر بوده است!

• در بند پایانی صفحه ۱۴۳، سؤال مربوط به قابلیت یا عدم قابلیت اسقاط و انصراف از حقوق معنوی در حقوق کشور ایران بی‌پاسخ باقی مانده است.

• این مطلب که در صفحه ۱۴۵ بند ۱۴۷ آمده است، حقوق ایران در خصوص قابل توقیف نبودن حقوق معنوی ساکت است، با وجود حکم تبصرهٔ ماده ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی مصوب<sup>۲۳</sup> ۱۳۵۶ و نیز بند «و» ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور حقوقی مصوب ۱۳۷۹. که صراحتاً بر غیرقابل توقیف بودن آثار قبل از انتشار دلالت دارند، منطقی به نظر نمی‌رسد. وجود احکام مذکور حداقل ساکت بودن حقوق ایران را رد می‌کند.

• در صفحه ۱۴۶ با استناد به بندهای «و» و «ه» ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، آثار منتشر نشده در حکم «ابزار کار پدیدآورنده» و در نتیجه غیرقابل توقیف اعلام شده‌اند. به نظر می‌رسد این استنباط صحیح نباشد، زیرا اثر قبل از افشا، مالیت ندارد، در حالی که موارد مذکور در ماده ۵۲۴ قانون مذکور اموال غیر قابل توقیف هستند. ضمن آن که قیاس اثر - نتیجه فعالیت‌های خلاقانهٔ پدیدآورنده - با ابزار کار - که مقدمات بسیار دور برای فراهم کردن نتیجه مادی هستند - قیاس مع الفارق است<sup>۲۴</sup>. به طور خلاصه، مستثنیات دین، اموال هستند، حال آن که اثر قبل از افشا، وارد قلمرو حقوق و گردونهٔ اقتصادی نشده است، بنابراین از بحث مستثنیات دین خروج موضوعی دارد (محمد ده‌چشمه، ۱۳۷۶، ص ۱۷۴؛ برتراند، ۱۹۹۹، ص ۲۷۷).

• در سطر چهارم صفحه ۱۴۶ جمله‌ای که با «به نظر می‌رسد در ...» آغاز شده، نامفهوم است و ظاهراً واژه یا واژگانی از عبارت افتاده باشد.

• در صفحه ۱۶۰ بند ۱۶۳ وجه یا وجوه تمایز «عرضهٔ عمومی اثر» از «تکثیر» مشخص نشده است.

• در صفحه ۱۶۹ عنوان «آثار منتفع از حق تعقیب» صحیح نیست، زیرا اثر موضوع حق است و پدیدآورندهٔ آن منتفع از حقوق است. همچنین در صفحه ۱۷۰ عنوان «میزان حق تعقیب» صحیح به نظر نمی‌رسد و بهتر است عنوان «ارزش نسبی حق تعقیب» به کار گرفته شود.

• در صفحهٔ ۱۷۳ بند ۱۷۸ (سطر سوم بند مذکور) عبارت «مجاز نموده» با توجه به مفهوم اجازه در حقوق ایران صحیح به نظر نمی‌رسد و به جای آن عبارت «حق داده است» منطقی‌تر است.

• مؤلف به جای اصطلاح «حق تألیف» از اصطلاحات متفاوتی شامل «حق الزحمه» و «دستمزد» استفاده کرده است. توجیه این امر ضرورت دارد. همچنین به کاربردن حق الزحمه به عنوان عوض اجازه اثر، صحیح به نظر نمی‌رسد.

• در صفحات ۱۷۷ و ۱۷۸ با وجود این که مباحث تحت عنوان حقوق ایران ارائه شده‌اند، از حقوق فرانسه و آلمان نیز بحث می‌شود.

• در صفحه ۲۰۰ بند دوم آمده است که «با توجه به این که حق تکثیر، نمایش ... از حقوق انحصاری پدیدآورنده است، نمی‌توان از طریق تأمین یا توقیف پدیدآورنده را ملزم به تجدید انتشار یا نمایش اثر کرد»، صرف نظر از اشکال عبارتی، این استنباط صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا پس از افشای اثر، حقوق مالی (اموال) پدیدآورنده عینیت یافته است و طلبکاران قاعداً حق وصول طلب خود را از محل اموال مدیون را دارند. با استدلال مندرج در کتاب هیچ یک از حقوق مالی پدیدآورنده پس از افشای اثر، به دلیل انحصاری بودن آنها، قابل توقیف نیست. در این صورت باید پرسید در کدام مرحله این اموال قابل توقیف هستند و چه تفاوتی در میان این مراحل دیده می‌شود. پس از افشای اثر حق معنوی مذکور اجرا شده است و مانعی در وصول طلب از محل حقوق مالی ولو از طریق انعقاد قرارداد واگذاری حق یا حقوق مالی، دیده نمی‌شود. علاوه بر این، انحصاری بودن حقوق - به این دلیل که این حقوق در دسترس دیگران نیست - دقیقاً موجب می‌شود که قابلیت معامله از سوی پدیدآورنده یا طلبکار وی وجود داشته باشد.

• در بند سوم صفحه ۲۰۰ قید «چنانچه این حقوق ...» زائد به نظر می‌رسد و موجب محدودشدن امکان توقیف حقوق مالی و حتی برداشت و اخذ مفهوم مخالف از جمله می‌گردد.

• با توجه به این که بحث مندرج در صفحه ۲۰۰ جزء فروع بحث قابلیت انتقال حقوق مالی مؤلف است، معلوم نیست چگونه مؤلف عدم قابلیت توقیف «کتب و ابزار علمی و تحقیقات متعلق به پدیدآورنده» را به این مطلب ارتباط داده است. به عبارت دیگر، عدم قابلیت توقیف کتب و ابزار علمی ناشی از ماهیت حقوق مالی نیست، زیرا چه بسا کتاب‌ها مربوط به نویسندگان دیگر باشد و پدیدآورنده آنها را خریداری کرده باشد. علاوه بر این، به طور کلی، ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی توقیف کتب متعلق به مدیون (اعم از پدید آورنده یا غیر پدیدآورنده) را ممنوع کرده و این امر ناشی از سیاست خاص فرهنگی قانونگذار است.

• در صفحه ۲۰۲ بند ۲۰۶ جمله «با این حال، موقتی یا دائمی بودن حقوق ناشی از تراوشات فکری موافقان و مخالفان» ابهام دارد.

- در صفحه ۲۷۶ علاوه بر آن که ظاهراً مراد از ماده «۱۷ قانون»، ماده ۱۳ باشد، در پاورقی شماره یک ظاهراً اصطلاح نمایندگی زائد است و باید حذف شود.
- در صفحه ۲۹۳ بند ۳۰۷، برخلاف برداشت مؤلف، منظور ماده ۳۱-۱۳۲ قانون مالکیت فکری فرانسه از «تهیه کننده»، تهیه کننده فیلم تبلیغاتی است، نه سفارش دهنده. تهیه کننده در این مفهوم، مقابل کارگردان و سایر پدیدآورندگان فیلم قرار می گیرد. در حالی که در همین ماده سفارش دهنده فیلم تبلیغاتی صاحب حقوق مؤلف نمی شود. بعکس در حقوق ایران، سفارش دهنده صاحب حقوق مالی پدیدآورنده اثر سفارشی می شود. (ماده ۱۳ قانون ۱۳۴۸)
- در صفحه ۲۷۳ ذکر مقررات بحث خیار غبن در حقوق ایران ارتباطی با قواعد غبن حادث در اثنای قرارداد ندارد. خیار غبن در حقوق ایران مختص زمان انعقاد قرارداد است. با این حال، مؤلف به رغم اشاره به این که احراز غبن در نظر گرفتن تمام شرایط خارجی و اوضاع و احوال معامله را ضروری می سازد، امکان استناد به غبن پس از انعقاد قرارداد را منتفی می داند. در حالی که به نظر می رسد «اوضاع و احوال و شرایط معامله» از جمله تغییرات ارزش اموال مورد معامله را ولو آن که، بعداً احراز شوند، در بر می گیرد. (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۱)
- در بند ۴۰۴ در صفحه ۳۷۴ در تحلیل ماده ۱۸ قانون ۱۳۴۸ اعلام شده که ماده مذکور ناظر به حمایت از حق سرپرستی است. در حالی که این ماده علاوه بر حق سرپرستی، حق حرمت اثر یا تمامیت آن را مورد حمایت قرار داده است.
- در صفحه ۴۷۲ بند ۵۱۶ (سه سط پایانی) جمله «با اتفاق این امر» و بعد، مبهم است.

### جمع بندی و ارائه نظر کلی

کتاب مورد بررسی یکی از معدود کتابهایی است که با همت عالی مؤلف در زمینه حقوق مالکیت ادبی و هنری به نحو کامل مبسوط نوشته شده است. به رغم وجود برخی از کاستی های قابل رفع و نقایص و ایرادات شکلی و ماهوی ذکر شده، هرگز نمی توان جایگاه این اثر را از یک کتاب منبع و مرجع، تنزل داد:

۱. از حیث اهداف تعیین شده برای کتاب، گرچه آن گونه که مؤلف در نظر داشته، مطالب این کتاب به عنوان منبع منحصربه فرد درس مالکیت فکری دوره کارشناسی حقوق کفایت نمی کند، ولی کتاب به عنوان یکی از منابع اصلی در این زمینه و در دروس مالکیت ادبی و هنری دوره کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری کاربرد دارد. چیره دستی مؤلف در استفاده از منابع خارجی، اگرچه به نظر

می‌رسد، این منابع با توجه به حجم و گستردگی مطالب حقوق خارجی به نسبت اندک باشند، موجب غنای اثر شده است. به نظر می‌رسد، اهداف موردنظر مؤلف در کتاب، از حیث جامعیت، تأثیرگذاری فراهم کردن منبع درسی، روشن کردن نقایص حقوق ایران، آشنایی با حقوق خارجی و ... تقریباً و در بخش‌های زیادی از مطالب حاصل شده است.

۲. وجود اشکالات شکلی و ماهوی، که با توجه به جایگاه کتاب فراوان هستند، مانع از آن نمی‌شود که خواننده (اعم از متخصص و غیرمتخصص) تقریباً بخش اعظم اطلاعات موردنیاز خود را از حقوق مالکیت ادبی و هنری که در حال حاضر در دنیا به کار گرفته می‌شود، به دست آورد. مباحث کتاب بسیار غنی و متنوع و مفصل هستند.

۳. بدون شک برطرف شدن کاستی‌ها و رفع عیوب و تکمیل مباحث مطرح‌نشده باعث می‌شود کتاب، به عنوان یکی از منابع و مراجع اصلی حقوق مالکیت ادبی و هنری، با استقبال خوب متخصصان و علاقه‌مندان روبه‌رو شود. به هر حال، همان‌گونه که مؤلف در پیش‌گفتار اعلام کرده است «کتاب حاضر (جزء) اولین تلاش(های) جدی برای تدوین دوره کامل حقوق مالکیت ادبی و هنری (است و از این رو) خالی از ایراد نیست».

در مجموع، مطالعه این کتاب ارزشمند و نفیس به همه علاقه‌مندان و متخصصان و صاحب‌نظران توصیه می‌شود.

### پی‌نوشت‌ها

۱. عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز ([Mehryar1381@yahoo.com](mailto:Mehryar1381@yahoo.com)).
۲. در این تحقیق منظور از توصیف اثباتی، ذکر ویژگی‌های مرتبط با کتاب و محاسن آن است. همچنین منظور از توصیف سلبی بیان نقایص و کاستی‌های کتاب است.
۳. یادآور می‌شود که در سال ۱۳۳۹ کتاب *حق مؤلف و حقوق تطبیقی آن* اثر دکتر محمد مشیریان از سوی انتشارات دانشگاه تهران منتشر شده و پس از آن مجدداً فرصتی برای عرضه عمومی پیدا نکرده است.

4. Les Grands principes du droit d'auteur et des droits voisins dans le monde. 19990, Unesco
5. Sterling
6. Lucas
7. Becourt
8. Denoix De Saint Marc
9. Bertrand
10. Publique domaine
11. Unesco
12. WCT
13. WPPT

14. Gautier

15. Edelman

۱۶. ماده ۵۸۳ قانون مدنی اعلام کرده است «هر یک از شرکا می‌تواند بدون رضایت شرکای دیگر سهم خود را جزئاً یا کلاً به شخص ثالثی منتقل نماید».

۱۷. چنین به نظر می‌رسد که مراد قانونگذار از پیش‌کشیدن شرط «عدم قابلیت تمایز کار هریک از پدیدآورندگان مشترک در خلق اثر مشترک» تأکید بر وحدت مال مشاع باشد. در این صورت حکم ماده ۶ مصداقی از ماده ۵۷۱ قانون مدنی است که اعلام کرده است: «شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه».

۱۸. این امر مانع از آن نیست که در برخی از موارد مانند مطالبه خسارات وجه التزام نیازی به اثبات ضرر نباشد. همچنین در بحث مطالبه «دیه» اثبات میزان خسارات ضرورتی ندارد.

۱۹. هرچند به موجب قاعده «المغور یرجع علی من غره» نهایتاً عامل زیان، به فریبکار مراجعه نماید.

۲۰. ماده ۱۳۲-۷ قانون مالکیت فکری فرانسه اعلام کرده است: «ابراز اراده شخصی و کتبی مؤلف ضروری است. بدون لطمه به مقررات راجع به قراردادهای منعقدۀ صغار و افراد کبیر تحت قیمومت، اراده، همچنین به هنگامی که مؤلف محجور است، ضروری است مگر در صورتی که از لحاظ جسمی توان ابراز اراده نداشته باشد».

21. Desbois

22. The agreement on Trade related aspects of intellectual property Rights (Trips)

۲۳. تبصره ماده ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ مقرر داشته است «تبصره - تصنیفات و تالیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ نرسیده، بدون رضایت مصنف و مؤلف و مترجم و در صورت آنها بدون رضایت ورثه یا قائم آنان توقیف نمی‌شود».

۲۴. ماده ۵۲۴ قانون مذکور می‌گوید: «کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی برای اهل علم و تحقیق متناسب با شأن آنان» جزء مستثنیات دین است.

## منابع و مأخذ

۱. بادینی، حسن (۱۳۸۴)، *فلسفه مسئولیت مدنی*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۰)، *حقوق اموال*، گنج دانش، چاپ پنجم.
۳. قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۷)، *الزامها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد*، بنیاد حقوقی میزان، چاپ چهارم.
۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵)، *مقدمه علم حقوق*، شرکت سهامی انتشار، چاپ ۵۳.
۵. — (۱۳۷۴) *حقوق مدنی، الزامهای خارج از قرارداد: ضمان قهری*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۶. محمدزاده وادقانی، علیرضا (۱۳۸۷)، «تأملی در آثار مشترک و جمعی در حقوق مالکیت فکری»، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، ش ۲، ص ۳۲۵-۳۳۸.
۷. محمدی، پژمان (۱۳۸۶)، *قراردادهای حقوقی مؤلف*، دادگستر، چاپ اول.
۸. محمدی ده‌چشمه، پژمان، (۱۳۷۶) «حقوق مؤلف»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی و اسلامی دانشگاه تهران.

9. Becourt, Daniel, (1988). "copyright and labour law", copyright Bulletin, vol. 22, n.4

10. Bertrand, André, (1999). Le droit d'auteur et les Droits voisins, Dalloz.

11. Denoix De Saint Marc, Stéphanie, (1999). Le contrat de commande en droit auteur de la francais, lere de., Litec.

12. Desbois, Henri (1970). Le droit d'auteur en France, 2 eme. ed., Dalloz
13. Edelman. Bernard (1999). Le propriété litteraire et artistique, 3 eme ed. Puf.
14. Gautier, Pire-yves (1999). propriété litteraire et artistique, 3 eme ed., Puf.
15. Lucas, Andrè, Lucas, Henri Jacques (1994). teaité de properieté litteraire, lère ed., Litec
16. Sterling. J.A.L (1999). World copyright law, Sweet & Maxwel.
17. Unesco, ABC of Copyright (1938). Unesco publication.